

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۹۸، سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۶، ۴ آوریل ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان

در نشست آپیک
از تحریرهای تازه علیه ایران
رونمایی شد

ص ۳

سیناری در رابطه با
شخصیت پیشوا قاضی محمد
در سلیمانیه برگزار شد

ص ۲

جانشین دبیرکل حزب
در کنفرانس بین‌المللی مسعود
محمد شرکت کرد

ص ۲

www.kurdistanmedia.com



اهمیت هویت
در جنوب کوردستان
و تعریف نوین ملت

۷



سیاست اجتماعی
معلوف به رفاه

۶



تفاوت حق طلبی با
رفتار قربانی

۵



بیانیه دفتر سیاسی
حزب دمکرات
به مناسبت هفتادمین
سالگرد شهادت پیشوا
قاضی محمد

۴

سلفن

شهیدان
مشعل راسان ملتند

کریم پرویزی

ملتی خواهان آزادیست، بایستی بهای آن را نیز بپردازد. این سخن گهربار از بیانات زنده‌یاد دکتر قاسم‌لوس که خود نیز در راه آزادی ملتش سنگین‌ترین بها را پرداخت. از هنگامی که ملت کرد در صدد اثبات اراده‌ی آزادیخواهانه‌ی خویش برآمد تا آینده‌ی روشن و آزاد را بنیان نهد، همواره در راه آن قربانی داده و بهای آن را نیز پرداخته است. شهادت در این راه بزرگترین بهایی است که فرد آگاهانه و با اعتقاد و باور درونی، مهمترین و ارزشمندترین سرمایه‌ی زندگی خویش یعنی جاننش را کف دست گرفته و با نهایت از خودگذشتگی، کفهی ترازوی هزینه‌ها در راه رسیدن به آزادی را سنگینتر و راه سرفرازی را رنگینتر می‌کند. شهادت در این راه مقدس، به معنای نفرت و بیزاری از زندگی و پاشیدن بذر کینه و نفرت در جهان نیست، بلکه شهادت به مفهوم ترجیح دادن مرگ سرفرازانه بر زندگی زندگی ذلت‌بار و هزینه دادن و پرداخت بهای آن است که نسل بعدی در آسایش زندگی کند. زمانی که رئیس‌جمهور نخستین ملت کرد، بر سر چندراهی انتخاب قرار می‌گیرد، با افتخار به پای جویبه‌ی دار می‌رود، زیرا می‌داند که زنده ماندن به معنای تحقیر تاریخ و در هم شکستن کرامت یک ملت و شهادت به مفهوم جریان یافتن خون در شاهرگ‌های مبارزاتی تاریخ ملت کرد برای نیل به آزادی، رهایی ملی و کامیابی است. پیشوای ملت کرد، شهادت را برمی‌گزیند، نه زندگی ذلت‌بار و نه مرگ در سال‌های بعد و در گمنامی و انزوا. کسی بعدها از آن یاد نخواهد کرد. شهادت از این منظر، ادامه‌ی زندگی، لیکن پرمعناتر و با انعکاسی به مراتب بیشتر در

ادامه در صفحه ۲

حزب دمکرات در راه پیشوا گام برمی‌دارد



جمهوری در حال مبارزه است. بدون تردید هزینه‌ی این مبارزه نیز هر اندازه که سنگین باشد، با فداکاری مبارزان و حتی از جان گذشتگی آنان پرداخت خواهد شد." پس از بیانات جانشین دبیرکل حزب، سرودی تحت عنوان شهید توسط گروه موزیک کمیسیون آموزش حزب به اجرا درآمد. آن گاه نثر زیبایی از سوی شاعر پیشمرگه "ماموستا بیبه‌ش" تحت عنوان "په‌بووله" قرائت گردید. پایان‌بخش این مراسم، اجرای یک سرود انقلابی حماسی تحت عنوان "قاضی محمد" از سوی هنرمند پیشمرگه "غلام فاتحی" بود.

مسأله اشاره نمود که: "آنچه که از پیشوا و این جمهوری برای ملت کرد بر جای ماند، حزب دمکرات کردستان ایران و آرمان‌های جمهوری کردستان و سبیل‌های آن همانند سرود ملی ای رقیب، نام پیشمرگه و پرچم کردستان بود که امروزه تنها در کردستان ایران، بلکه در تمامی بخش‌های کردستان سبیل ملت کرد به شمار می‌روند و تقدس آنان پایدار مانده است." جانشین دبیرکل حزب همچنین در ادامه اظهار داشت: "حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یادگار پیشوا و مؤسس جمهوری کردستان، سرفرازانه در راه پیشوا گام برمی‌دارد و با دارا بودن ظرفیت تطبیق دادن خویش با زمانه و تحولات روز و برای تحقق اهداف

کردستان و یک دقیقه سکوت به احترام شهیدان راه آزادی و رهایی کردستان آغاز شد. سپس آقای حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران سخنانی به مناسبت روز شهیدان کردستان، ایراد نمود. آقای شرفی در بخشی از بیانات خویش در این مراسم اظهار داشت: "قاضی محمد اگرچه شخصیتی مذهبی بود، لیکن در عین حال شخصیتی ملی و دمکرات بود که در آن زمان یک جمهوری مدرن و مجهز به اندیشه‌های ترقیخواهانه و دمکراتیک را بنیان نهاد، به گونه‌ای که نام زکاف، حزب دمکرات، جمهوری کردستان و پیشوا با یکدیگر عجین شده‌اند." آقای شرفی همچنین به این

سوی آرامگاه شهیدان آغاز شد. در آرامگاه شهیدان دو سرود حماسی از سوی یگانی از نیروی پیشمرگه اجرا شد. پس از آن، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات و خانم هیرو جلدیانی همسر شهید چکو رحیمی مشترکاً تاج گلی به رسم احترام و وفاداری، بر مزار شهیدان نهادند. به دنبال آن، نمایشگاه تصاویر شهیدان توسط آقای مصطفی هجری و خانم نرمین خضری، همسر شهید "کمال خضری" از شهیدان والامقام راسان روزها، به روی حاضران در مراسم گشوده شد. بخش دیگری از مراسم، رأس ساعت ۱۰ بامداد در سالن اجتماعات مقر دفتر سیاسی حزب، با اجرای سرود ملی

در هفتادمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد و یارانش به دست جلال‌دین رژیم تهران، مردم کردستان با آرمان‌ها و مکتب پرافتخار شهیدان راه رهایی کردستان تجدید پیمان کردند. به همین مناسبت، رأس ساعت ۹ بامداد روز پنجشنبه ۱۰ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی به مناسبت روز شهیدان کردستان، مراسم ویژه‌ی در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران با حضور خانواده‌های شهیدان، مصطفی هجری، دبیرکل حزب و اعضای رهبری، کادرها، پیشمرگان و مهمانان برگزار شد. مراسم در بخش نخست با رژه‌ی نظامی چهار یگان از نیروهای پیشمرگه، جوانان، زنان و دوره‌ی مقدماتی پیشمرگه به

جانشین دبیر کل حزب در کنفرانس بین‌المللی مسعود محمد شرکت کرد

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی بزرگداشت مسعود محمد شرکت کرد. روز شنبه ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی بنا به دعوت رسمی ریاست دانشگاه کویه، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین‌المللی به مناسبت پانزدهمین سالگرد درگذشت استاد مسعود محمد، ادیب و اندیشمند پرآوازه‌ی کرد شرکت کرد. کنفرانس با نواخته شدن سرود ملی "ای رقیب" آغاز گردید. سپس رئیس دانشگاه کویه، ریاست هیأت عالی



سقوط بهمن و شلیک مستقیم کشته و زخمی شدن ۸ کولبر گرد بر جای گذاشت

سقوط بهمن در خوی و شلیک نظامیان حکومتی در سردشت کشته و زخمی شدن ۸ کولبر گرد را در پی داشت. براساس گزارش آژانس خبرسانی کردپا، سه‌شنبه شب یکم فروردین‌ماه، ۴ کولبر گرد بر اثر ریزش بهمن در منطقه "قطور" از توابع شهرستان خوی جان خود را از دست دادند. در این حادثه یک کولبر دیگر به شدت زخمی و جهت معالجه پزشکی به مراکز درمانی انتقال یافته است. خبرنگار کردپا هویت کولبران جان باخته را بهروز عیسی‌زاده، قطب‌الدین احمدی، حسن سعیدی و مصطفی حافظ عنوان کرد. یک منبع آگاه در این باره به خبرنگار کردپا گفت: یکی از کولبران جانباخته اهل روستای "گیوران" و سه تن دیگر اهل روستای "ترس‌آباد" از توابع منطقه قطور می‌باشند. مسئولان حکومتی مدعی شده‌اند که نفرت جان باخته "کولبر" نمی‌باشند، اما منابع محلی این ادعای مسئولان حکومتی را رد می‌کنند. عملیات جستجو برای کشف جسد این کولبران جان باخته توسط نیروهای مردمی صورت گرفته است. از دیگر سو نیز، در پی تیراندازی نیروهای انتظامی رژیم، سه کولبر گرد در روستای "بیوران" از توابع سردشت زخمی گردیدند. هویت این کولبران تاکنون مشخص نگردیده است. کولبران زخمی شده با کمک نیروهای مردمی برای معالجه پزشکی به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. براساس آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کردپا، در سال ۹۵، ۱۵۴ کولبر گرد در کردستان بر اثر شلیک مستقیم نظامیان سرکوبگر رژیم، سقوط مین، سکنه قلبی و فشار ناشی از کولبری کشته و زخمی شده‌اند. هدف گلوله قرار دادن کولبران گرد و کشتن آنان در حالی صورت می‌گیرد که بیشتر شهروندان کرد به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی، نبود فرصت‌های شغلی و بیکاری در مناطق مختلف کردستان، مجبور به کار کولبری می‌شوند و با خطر مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.

سقوط بهمن در خوی و شلیک نظامیان حکومتی در سردشت کشته و زخمی شدن ۸ کولبر گرد را در پی داشت. براساس گزارش آژانس خبرسانی کردپا، سه‌شنبه شب یکم فروردین‌ماه، ۴ کولبر گرد بر اثر ریزش بهمن در منطقه "قطور" از توابع شهرستان خوی جان خود را از دست دادند. در این حادثه یک کولبر دیگر به شدت زخمی و جهت معالجه پزشکی به مراکز درمانی انتقال یافته است. خبرنگار کردپا هویت کولبران جان باخته را بهروز عیسی‌زاده، قطب‌الدین احمدی، حسن سعیدی و مصطفی حافظ عنوان کرد. یک منبع آگاه در این باره به خبرنگار کردپا گفت: یکی از کولبران جانباخته اهل روستای "گیوران" و سه تن دیگر اهل روستای "ترس‌آباد" از توابع منطقه قطور می‌باشند. مسئولان حکومتی مدعی شده‌اند که نفرت جان باخته "کولبر" نمی‌باشند، اما منابع محلی این ادعای مسئولان حکومتی را رد می‌کنند. عملیات جستجو برای کشف جسد این کولبران جان باخته توسط نیروهای مردمی صورت گرفته است. از دیگر سو نیز، در پی تیراندازی نیروهای انتظامی رژیم، سه کولبر گرد در روستای "بیوران" از توابع سردشت زخمی گردیدند. هویت این کولبران تاکنون مشخص نگردیده است. کولبران زخمی شده با کمک نیروهای مردمی برای معالجه پزشکی به مراکز درمانی منتقل شده‌اند. براساس آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کردپا، در سال ۹۵، ۱۵۴ کولبر گرد در کردستان بر اثر شلیک مستقیم نظامیان سرکوبگر رژیم، سقوط مین، سکنه قلبی و فشار ناشی از کولبری کشته و زخمی شده‌اند. هدف گلوله قرار دادن کولبران گرد و کشتن آنان در حالی صورت می‌گیرد که بیشتر شهروندان کرد به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی، نبود فرصت‌های شغلی و بیکاری در مناطق مختلف کردستان، مجبور به کار کولبری می‌شوند و با خطر مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.



سمیناری در رابطه با شخصیت پیشوا قاضی محمد در سلیمانیه برگزار شد



به منظور بزرگداشت یاد پیشوا قاضی محمد و نقش و تأثیر والای وی در ایشان در جنبش‌های رهایی‌بخش ملت کرد، یک سمینار علمی در شهر سلیمانیه برگزار شد. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، صبح روز پنجشنبه ۱۰ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی به مناسبت هفتادمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد و یارانش، سمیناری در مقر شاخه‌ی ۴ پارت دمکرات کردستان در سلیمانیه برای دکتر کیوان آزاد انور، استاد دانشگاه و کریم پرویزی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران برگزار شد. در ابتدای مراسم، دکتر کیوان آزاد انور به بحث از شخصیت پیشوا قاضی محمد

ادامه سخن

حال حاضر و در آینده است. دیدگاه‌ها و افکاری وجود دارند که زندگی کنونی را ملامت از دروغ، فساد و تباهی دانسته و می‌گویند که این زندگی و این جهان بایستی کاملاً فنا و سوزانده شود و در زندگی و جهان آتی یا آخرت، وضعیت مطلوبی انتظارمان را می‌کشد. از این منظر، شهادت به معنای سوزاندن زندگی و انتخاب مرگ است. دیدگاهی نیز وجود دارد که زندگی را با تمامی کمبودها و کاستی‌هایش بر مرگ و فنا ترجیح داده و پس از هرگونه مبارزه و تلاشی، می‌گوید که زندگی و بقا در هر صورت از مرگ بهتر است، از این منظر، نقطه‌ی پایان مبارزه همانا تسلیم شدن است. لیکن از دیدگاه مکتب قاضی، قاسم‌لو و شرفکنندی، شهادت به معنای برگزیدن یک راه و پرداخت بزرگترین بها برای مزین نمودن حیات و مبارزه است و با این اقدام والای انسانی که از اوج آگاهی و هوشیاری و باور سرچشمه می‌گیرد، شهادت تبدیل به مشعل روشنی‌بخش راه می‌گردد، راه پرافتخاری برای نیل به آرمان‌ها و اهداف که با فرصت‌طلبی و خودخواهی و تسلیم شدن به نتیجه نخواهد رسید، بلکه بایستی در راه آن هزینه داده شود و راه مداوماً روشن نگه داشته شود تا راه حقیقی زندگی و مبارزه از دیدگان پنهان نشده و شیخ تاریکی چیره نگردد. از همین روست که زنده‌یاد دکتر قاسم‌لو می‌گوید بهترین پاداش برای شهیدان، ادامه دادن راه آنان است. اینک و در آینده نیز، شهیدان مشعل پرفروغ راه حقیقی و پرافتخار اثبات موجودیت و اراده‌ی ملی و رهایی‌طلبی هستند که این راه با راسان ملت‌مان ادامه خواهد یافت و روان پاک شهیدان، روشنی‌بخش این راه خواهد بود.

مصطفی زهرانی: سوریه به ایران پشت خواهد کرد

قطع پای یک کشاورز ۵۰ ساله بر اثر انفجار مین در پاوه



هم تاوان پس می‌دهند. جمعیت شهر پاوه بالغ بر ۶۰ هزار نفر می‌باشد و این شهرستان ۸۴ کیلومتر با اقلیم کردستان عراق مرز مشترک دارد. این سومین مورد حادثه انفجار مین در کردستان ایران است. پیشتر جوانی ۲۱ ساله در منطقه "میمک" شهرستان مهران و یک جوان ۳۰ ساله در شهر بانه کردستان ایران پای چپ خود را از ناحیه میج از دست داده بودند.

شده را "محمد شکری" ۵۰ ساله اعلام نموده است. ویسایت "سلام پاوه" در مورد این حادثه اعلام کرد، این شهروند پاوه‌ای متأهل بوده و به سبب انفجار مین "گوجه‌ای" در دم میج پای وی قطع شده است. در حال حاضر محمد شکری برای مداوا در بیمارستان "قدس" پاوه تحت نظر مراقبت‌های ویژه است. علیرغم سیری شدن نزدیک به سه دهه از جنگ ایران و عراق، مردم مناطق مرزی استان کرمانشان هنوز

بر اثر انفجار مین بجا مانده از دوران جنگ ایران و عراق در مناطق مرزی هورامان، یک کشاورز ۵۰ ساله از اهالی روستای شوشمی مجروح گردید. بر پایه‌ی گزارش آژانس خبررسانی کردپا، عصر روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین ماه، انفجار مین در حوالی روستای شوشمی از توابع نوسود شهرستان پاوه، یک شهروند کرد را قطع عضو کرد. خبرنگار کردپا در شهرستان پاوه، هویت کشاورز مجروح

این مسئول رژیم در ادامه گفته است، ما خوش‌بین بودیم که جنگ کوتاه‌مدت خواهد بود و دشمن ضعیف است و می‌توانیم به سرعت کار را تمام کنیم؛ اما اکنون ما استراتژی خروج از جنگ سوریه را نداریم و نمی‌توانیم خارج شویم. در آبان‌ماه سال گذشته محمد بن حسن، فرمانده بسیج معاونت حمل و نقل و ترافیک تهران در مراسم اربعین اعتراف کرده بود که ۳ هزار تن از اعضای سپاه تروریستی پاسداران رژیم ایران تاکنون در سوریه به هلاکت رسیده‌اند. جنگ سوریه مدت ۶ سال است ادامه دارد و تاکنون نیم میلیون نفر کشته و میلیون‌ها نفر نیز از خانه و کاشانه خود آواره گشته‌اند.

به گفته او، روسیه "منافع خاص خود را در سوریه دنبال کرد و توانست به اهدافی که در این کشور داشت، برسد و از این پس، وارد معامله با آمریکا و اسرائیل خواهد شد". این مقام رژیم ایران در بخشی از این مقاله گفته کشوری که بتواند حکومت بشار اسد را تضمین کند، سوریه با آن همراه خواهد شد و اگرچه ایران به لحاظ امکانات میدانی، بیشترین نقش را داشته است، اما بشار اسد گمان می‌کند که روسیه بیش از ایران، می‌تواند در مواجهه با آمریکا و اسرائیل به او کمک کند. نهایتاً به نظر می‌رسد که بشار اسد به سمت روسیه حرکت نموده و به ایران پشت کند.

یک مقام وزارت خارجه رژیم ایران اذعان نموده که سوریه به ایران پشت خواهد کرد و ما برای خروج از جنگ به مشکل خورده‌ایم. مصطفی زهرانی، مدیرکل امور راهبردی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه رژیم اسلامی گفته که سوریه به ایران پشت خواهد کرد و این رژیم در استراتژی خروج از سوریه دچار مشکل شده است. این مقام رژیم ایران طی مقاله‌ای که در پایگاه خبری "دیپلماسی ایرانی" منتشر گردید، مدعی شده است که جنگ سوریه بهانه‌ی بسیار خوبی داد تا زمینه برای پروژه‌ی امنیتی‌سازی مجدد ایران توسط اسرائیل را به پیش ببرند.

در نشست آپیک از تحریم‌های تازه علیه ایران رونمایی شد

"فاجعه‌ای مطلق" توصیف کرد. او در حمایت از لایحه‌ی تحریم‌های جدید علیه ایران گفت: «برای مقابله با این تهدیدها، باید از همه ابزارهای موجود استفاده کنیم. ما برای دفع این ستیزه‌جویی در هر موقعیتی باید با هم‌بیمانان خود - به ویژه با اسرائیل - همکاری کنیم.» دولت آمریکا اخیراً و در واکنش به آزمایشات موشکی جمهوری اسلامی ۲۵ شخص و نهاد را تحریم کرد. نمایندگان که لایحه‌ی تحریمی جدید را در نشست آپیک ارائه کرده‌اند، انتظار دارند ترامپ فراتر از این عمل کند.

آنان هم تحریم خواهند شد. افزون بر این، سپاه پاسداران رژیم نیز مشمول "تحریم‌های تروریستی" خواهد شد و تحریم تسلیحاتی علیه این نهاد تروریستی اعمال خواهد شد. آسوشیتدپرس می‌نویسد که لایحه یادشده هم از حمایت کوین مک‌کارتی، رهبر اکثریت جمهوریخواه در مجلس نمایندگان آمریکا برخوردار است و هم از حمایت استنی هایلر، نماینده حزب دموکرات. در نشست آپیک، "پاول رایان" رئیس مجلس نمایندگان آمریکا توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی را

در نشست سالانه کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (آپیک) لایحه‌ای رونمایی شده که برنامه موشکی بالستیک ایران را هدف گرفته است. خبرگزاری آسوشیتدپرس روز سه‌شنبه (۲۸ مارس/ ۸ فروردین) از واشینگتن گزارش داد، این لایحه در نظر دارد سیستم مالی بین‌المللی شرکت‌های ایرانی و خارجی مرتبط با برنامه موشکی جمهوری اسلامی و بانک‌هایی را که با آنها همکاری می‌کنند، تحریم کند؛ افراد دخیل در برنامه موشکی بالستیک جمهوری اسلامی و شرکای تجاری

در نوروز امسال به ۶ کولبر شلیک شده است

تیر مستقیم قرار گرفتند. بیشتر نیز، دربی تیراندازی نیروهای انتظامی سه کولبر کرد در روستای "بیوران" از توابع سردشت زخمی گردیدند. از اوایل سال جدید خورشیدی تاکنون، ۶ کولبر کرد مورد تیراندازی و شلیک مستقیم نیروهای رژیم قرار گرفته و مجروح گردیده‌اند.

متأهل اعلام گردیده است. شبکه حقوق بشر کردستان اعلام کرد: کولبر زخمی شده برای مداوا به یکی از مراکز درمانی شهر سردشت اعزام گردیده، ولی به سبب جراحات زیاد به بیمارستان اعزام شده است. در همین رابطه نیز، اوایل هفته گذشته دربی تیراندازی نیروهای مسلح رژیم در مناطق مرزی استان کرمانشان، دو کولبر متأهل مورد اصابت

در بی شلیک مستقیم نیروهای رژیم به روی کولبران کرد، یکی از کولبران مجروح گردید. بر اساس گزارش آژانس خبررسانی کردپا، عصر روز چهارشنبه ۹ فروردین‌ماه، در ادامه تیراندازی‌های مأموران سرکوبگر رژیم، یک کولبر در مرز آلان سردشت هدف اصابت گلوله قرار گرفت. هویت این کولبر کرد "امید گوهری" ۲۶ ساله و

حداقل ۵ شهروند کرد در سنج و کامیاران بازداشت شدند

مأموران را همراهی می‌کردند. همزمان نیز گزارش می‌رسد که دو فعال مدنی کامیاران و سنج به نام‌های سعید یوزی و صالح امانی در اواخر سال گذشته توسط لباس شخصی‌های وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند. از سرنوشت این دو شهروند "چیگرا" گزارش دقیقی در دسترس نیست، اما منابع مطلع از نگهداری آنان در زندان مرکزی سنج خبر می‌دهند. اواخر هفته گذشته نیز یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در سنج به حفاظت اطلاعات ناجا در این شهر احضار شده بود. خالد حسینی پس از احضار کتبی، مورد بازجویی نیروهای امنیتی قرار گرفته است. همچنین دیگر منابع خبری گزارش دادند؛ پس از برگزاری مراسم نوروز سقز که در روستای "آیچی" برگزار گردید، دست

مأموران را همراهی می‌کردند. همزمان نیز گزارش می‌رسد که دو فعال مدنی کامیاران و سنج به نام‌های سعید یوزی و صالح امانی در اواخر سال گذشته توسط لباس شخصی‌های وزارت اطلاعات بازداشت شده‌اند. از سرنوشت این دو شهروند "چیگرا" گزارش دقیقی در دسترس نیست، اما منابع مطلع از نگهداری آنان در زندان مرکزی سنج خبر می‌دهند. اواخر هفته گذشته نیز یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در سنج به حفاظت اطلاعات ناجا در این شهر احضار شده بود. خالد حسینی پس از احضار کتبی، مورد بازجویی نیروهای امنیتی قرار گرفته است. همچنین دیگر منابع خبری گزارش دادند؛ پس از برگزاری مراسم نوروز سقز که در روستای "آیچی" برگزار گردید، دست

نیروهای امنیتی رژیم در کردستان طی ۱۰ روز، دهها فعال مدنی را احضار، بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال دادند. به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، قبل از ظهر روز دوشنبه، هفتم فروردین‌ماه، دو تن از برگزارکنندگان مراسم نوروز سنج توسط نیروهای سازمان حفاظت اطلاعات ناجا بازداشت گردیدند. مراسم نوروز ۹۶ قرار بود در روستای "حسن‌آباد" در حومه سنج برپا شود. خبرنگار کردپا هویت این دو فعال مدنی را "رامین صالحی و جلال خداکرمی" اعلام کرد. گفته می‌شود که وسایل و تدارکات اولیه مراسم نیز از سوی نیروهای ویژه توقیف و برگزاری جشن نوروز متوقف گردیده است. منابع خبری کردپا عنوان می‌کنند که در یورش نیروهای حکومتی، افراد وابسته به گروه‌های سلفی نیز

بحرین، اعضای یک باند تروریستی وابسته به سپاه پاسداران را بازداشت کرد

پنج مأمور پلیس زخمی شدند. این نخستین بار نیست که بحرین از بازداشت یا "خنتی‌کردن" اقدامات افراد یا گروه‌های مرتبط با ایران خبر می‌دهد. برای نمونه در ۱۵ اسفند ماه، نیز بیانیه‌ای منتشر کرده و از بازداشت ۲۵ عضو یک گروه تروریستی مورد حمایت رژیم ایران سخن گفته بود. دولت بحرین در آن زمان گفته بود یک گروه ۵۴ نفره به ایران و عراق رفته بودند تا در پایگاه‌های سپاه تروریستی پاسداران آموزش ببینند.

تازگی در "فهرست تروریستی" ایالات متحده قرار گرفته است. شش تن از بازداشت‌شدگان این گروه در اردوگاهی تحت نظارت سپاه پاسداران و پنج تن دیگر تحت نظارت گردان‌های حزب‌الله عراق و سه نفر دیگر نیز در خود بحرین آموزش دیده‌اند. وزارت امور داخلی بحرین، بازداشت‌شدگان را متهم کرده است که در جریان انفجار بمبی در کنار اتوبوس حامل نیروهای پلیس دست داشته‌اند. در آن انفجار در اوایل اسفند گذشته،

بحرین اعضای یک باند تروریستی مظنون به دست داشتن در حمله به اتوبوس نیروهای پلیس این کشور در اسفندماه گذشته بازداشت کرد. بنا به اعلامیه پلیس بحرین، ۱۴ عضو این گروه بازداشت شده‌اند و ۱۱ نفر از آنها مظنون هستند که تحت نظارت سپاه پاسداران رژیم ایران و گروه "کتابت حزب‌الله" عراق، آموزش دیده‌اند. بر اساس گزارش مقامات بحرینی، دو تن از رهبران این گروه ساکن ایران هستند که یکی از آنان به

بیانیه‌ی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد



جلوه داده بودند، اینک درستی، دمکراتیک بودن، مسالمت‌جویی و تسامح و باورمندی مبارزات آن به حقوق بشر اثبات شده و با مبارزات خویش و ویژگی‌های انسانی آن موقعیت و جایگاه ویژه‌ای در افکار عمومی جهانیان یافته است. در هفتادمین سالگرد به شهادت رساندن قاضی محمد، پیشوای ملت کرد و جمهوری کردستان، به عنوان حزب یادگار پیشوا، یک بار دیگر بر آرمان‌های ملیمان و لزوم تداوم مبارزه تا رسیدن به پیروزی نهایی تأکید نموده و به حمایت و مشارکت گسترده‌ی مبارزان ملت کرد و سیاست درست و فداکاری مبارزان دمکرات اتکا نموده و بدین گونه، مایه‌ی شادی و تسلی خاطر روح پاک پیشوا و تمامی شهیدان کردستان خواهیم شد. روح پیشوای زنده‌یاد و تمامی شهیدان شاد و راهشان پر رهرو باد و موفقیت و دستیابی به اهداف ملت کرد و رهایی از سلطه و اشغالگری را برای سرزمینمان کردستان آرزو می‌کنیم.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۸ فروردین ماه ۱۳۹۶
خورشیدی
۲۸ مارس ۲۰۱۷ میلادی

بشر، حقوق ملی و برابری زن و مرد و مغایر با روح زمانه است. حزب ما در روند مبارزات خویش از تمامی متدهای مشروع مبارزه بهره جست و شیوه‌ی کنونی این مبارزه در "راسان روزگلات" متجلی شده است که طی دو سال اخیر در جهت به هم پیوستن مبارزات شاخ و شار مطرح شده و امید نوینی به توده‌های مردم در کردستان ایران بخشیده و روحیه و توان جدیدی در میان مبارزان دمکرات ایجاد نموده است. از همین رو، حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یادگار پیشوا و مؤسس جمهوری کردستان، سرفرازانه در راه پیشوا گام برمی‌دارد و با دارا بودن ظرفیت تطبیق دادن خویش با زمانه و تحولات روز و برای تحقق اهداف جمهوری در حال مبارزه است. بدون تردید هزینه‌ی این مبارزه نیز هر اندازه که سنگین باشد، با فداکاری مبارزان و حتی از جان گذشتگی آنان پرداخت خواهد شد. در هفتادمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد، در رابطه با اوضاع ملت کرد به طور کلی می‌توان گفت که مبارزات ملت کرد در تمامی بخش‌های کردستان به طور همزمان جریان دارد و ملت کرد به عنوان ملتی محروم از حقوق و آزادی‌هایش، در افکار عمومی جهانیان برخلاف آنچه که دشمنان همواره مبارزات آن را به طرزی ناروا و نادرست

شهر مهاباد به دار آویخته شده و به شهادت رسیدند. بعدها نیز جمع دیگری از مقامات جمهوری به دار آویخته شدند، البته پیش از این اعدام‌ها نیز شماری از دست‌اندرکاران حزب دمکرات و جمهوری کردستان زندانی شده بودند. بدین ترتیب، متأسفانه عمر جمهوری به پایان رسید، لیکن آنچه که از پیشوا و این جمهوری برای ملت کرد بر جای ماند، حزب دمکرات کردستان ایران و آرمان‌های جمهوری کردستان و سبیل‌های آن همانند سرود ملی "ای رقیب"، نام پیشمرگه و پرچم کردستان بود که امروز نه تنها در کردستان ایران، بلکه در تمامی بخش‌های کردستان سبیل ملت کرد به شمار می‌روند و تقدس آنان پایدار مانده است، به ویژه که پرچم این جمهوری رسماً در یکی از بخش‌های آزاد شده‌ی کردستان به اهتزاز درآمده و پیشمرگه با فداکاری و مقاومت خود در برابر اشغالگران و تروریست‌های دولتی و غیر دولتی نام و آوازه‌ی جهانی یافته و سرود "ای رقیب" در مناسبت‌های رسمی نواخته و اجرا می‌شود. حزب پیشوا نیز پس از هفتاد سال مبارزه و فداکاری در راه تحقق مجدد حقوق و آزادی‌های ملت کرد، همچنان در حال تلاش و مبارزه‌ی پیگیر و مستمر در برابر رژیم تهران است، رژیمی که مخالف دمکراسی، حقوق

جمهوری شناخته شد. از آن به بعد، نام‌های ژکاف، حزب دمکرات، جمهوری کردستان و پیشوا با یکدیگر عجین شدند. دستاوردهای جمهوری کردستان برای ملت کرد، آن هم تنها ظرف مدت ۱۱ ماه عمر این جمهوری، چنان مهم و ارزشمند هستند که تاریخ ملت کرد و بشریت به آنها مباحث می‌کند و هنر و کارایی پیشوا قاضی محمد در تحقق آنها در جامعه‌ی هفتاد سال پیش کردستان نشان می‌دهد که چگونه توانسته است که امنیت و فضای سرشار از تسامح و تساهل را در یک جامعه‌ی عشیره‌ای متنوع برقرار نماید و همگان را زیر پرچم کردستان و در راه آرمان ملت کرد گرد هم آورد. جمهوری کردستان همچون یک حکومت دمکراتیک کردی در یک منطقه‌ی عقب نگه داشته شده‌ی آن روزگار، به دلیل ضدیت کشورهای منطقه با این جمهوری نوپا و رویارویی ایرقدرت‌های آن دوران در چهارچوب منافعشان، فرصت چندانی برای تداوم حیات نیافت و توطئه‌ی طراحی شده برای سرنگونی زود هنگام آن، بر اثر هجوم نظامی رژیم سلطنتی در ایران جامه‌ی عمل پوشید. به دنبال از میان برداشتن قاضی محمد، محمد حسین خان سیف قاضی و ابوالقاسم صدر قاضی در پامداد روز دهم فروردین ماه ۱۳۲۶ خورشیدی، در میدان "چوارچرا"ی

گردید. این آوازه‌ی نیک زمانی فراگیرتر شد که ریاست اداره فرهنگ آن زمان و آموزش پرورش فعلی و اداره اوقاف را بر عهده گرفت و در اهمیت قائل شدن برای امور اجتماعی و تشویق مردم به دانش‌اندوزی و تحصیل علم و یادگیری با تمام توان خویش کوشید. یکی از ویژگی‌های والای پیشوا، توانمندی اندیشه‌ی آزادخواهی و میهن‌دوستی و ملت‌باوری توأم با ترویج اندیشه‌ی رهایی ملت کرد و ارج نهادن ایشان به حقوق بشر بود. همین اعتقاد به عضویت جمعیت "ژکاف" که در ۲۵ مردادماه ۱۳۲۱ خورشیدی تأسیس شده بود، درآید و آن را گسترش دهد و سه سال پس از تأسیس آن، در ۲۵ مردادماه سال ۱۳۲۴ خورشیدی، بر بنیان مبنای تشکیلاتی این سازمان، حزب دمکرات کردستان را با عنوان و مضمونی مدرن‌تر و دمکراتیک‌تر پایه‌ریزی نمود. از همین جا و بر مبنای باورهای حزب دمکرات و با کوشش رهبری این حزب و با بهره بردن از فرصت تاریخی دوران جنگ جهانی دوم و شرایط ویژه‌ی حاکم بر بخشی از کردستان روزگلات، به سوی تحقق آرمان ملت کرد و آرمان‌های خویش گام برداشت و در دوم بهمن‌ماه ۱۳۲۴ خورشیدی تأسیس نخستین حکومت کردی را در شکل جمهوری اعلام کرد و به عنوان پیشوای ملت کرد و این

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد، بیانیه‌ی منتشر نمود. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است: روز دهم فروردین‌ماه امسال (۱۳۹۶ خورشیدی) هفتاد از شهادت پیشوای ملت کرد و رئیس‌جمهوری کردستان پیشوا قاضی محمد سپری می‌شود. پیشوایی که بنیانگذار حزب دمکرات کردستان و مؤسس نخستین کیان کردی در شکل جمهوری در بخشی از خاک کردستان روزگلات بود، دو پدیده که در فرایند مبارزات ملت کرد برای نیل به آرمان‌هایش مهم و نقطه‌ی عطفی به سوی خیزش و مدرنیته در تاریخ ملت کرد بودند. قاضی محمد فرزند قاضی علی، سال ۱۲۷۹ خورشیدی برابر با ۱۹۰۰ میلادی در شهر مهاباد در خانواده‌ای فرهنگ‌دوست و ملی‌گرا دیده به جهان گشود. در سن هفت سالگی تحصیلات خویش را آغاز نمود و رفته‌رفته مدارج تحصیلی را در زمینه‌ی علوم گوناگون طی نمود. در همان عنوان جوانی علاوه بر زبان فارسی، با زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و روسی نیز آشنایی یافت. از همین رو پس از درگذشت پدرش، قاضی شهر مهاباد شد و در انجام این وظیفه به گونه‌ای عادلانه رفتار نمود که مورد اطمینان و اعتماد توده‌های مردم واقع

تفاوت حق طلبی با رفتار قربانی

R A S A A N



جامعه‌شناختی از هم پاشیده و اقشار و طبقات درون جامعه از وجود چنین فضایی به ستوه آمده‌اند و در وهله‌ی اول تنها اعلام حضوری کافی است تا جرقه شور و شوق مردم به نیروی محرکه‌ای علیه رژیم تبدیل شود و سرانجام به نقطه‌ی انقلابی برسد، باز هم جریان‌های سیاسی با سیاست قربانی خود، فرصت را مغتنم شمرده و ضمن غلط قلمداد کردن فعالیت‌های سیاسی و نظامی در داخل کردستان آن را مردود می‌شمارند و بر کارهای مدنی پافشاری می‌کنند؛ دلیل این موضع جز آن نیست که در لابه‌لای این آشفتگی جبران ضعف کنند تا خود به خاموشی سپرده نشوند. دلیل دیگر آن است که خود این دسته از جریان‌ها هنوز به این قناعت نرسیده‌اند که تغییرات و رفتارهای سیاسی در جغرافیای ایران طبیعی است نه مدنی. در برهه‌ای از زمان که خاورمیانه شاهد تغییرات عمیق منجمله تغییر مرز کشورهاست، از سال ۱۳۹۴ خورشیدی حزب دمکرات کردستان ایران فعالیت‌های تعلیق‌شده‌ی خود را بعد از ۲۰ سال که آن هم

برای ثبات سیاسی و امنیتی کردستان عراق در دستور کار خود قرار داده بود؛ دوباره از سر گرفت. با شروع این فعالیت حزب دمکرات، جرقه‌ای سرتاسر منطقه را در خود تنید، بی گمان تیرها و پیکان‌های مخالف پیش از تیراندازی‌های موافق بود، اما به گواه تاریخ و سیاستمداران، حال دیگر باید بعد از ۲۰ سال جوابگوی مردم و ملت خود باشد. خواسته‌های حزب دمکرات بر همه آشکار است. سیاست حق‌طلبی و سرنگونی رژیم ایران و احقاق حقوق خود؛ امروزه این حزب در شرایط انقلابی مردم کردستان تزیق کرده است که در این مقطع بیش از هر چیزی نیاز به همبستگی و اتحاد همه احزاب و جریان‌های سیاسی دارد. آنچه عیان است، مردم کردستان و همچنین رژیم خود در بحران مشکلات جامعه و سیاست‌های داخلی و خارجی خود غرق شده است و فرصت بیش از همه وقت در اختیار مخالفان این رژیم است که با همسویی، این رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرده و خواسته‌های خود را بر کرسی می‌نشانند. اکنون کردستان ایران به مانند همیشه آماده و پذیرای هر گونه تغییراتی است به شرط آنکه حامی و پشتیبانی برای خود احساس کنند، این حامی جز احزاب مخالف این رژیم نیستند به شرط آن که قائل به تحمل سیاسی هم باشند و راهی هم جز پیشبرد انقلاب ندارند، چرا که حق‌طلبی همیشه مقدم بر قربانی کردن خود است.

نکته دیگر در بسیاری از این احزاب و جریان‌های سیاسی کرد مخالف ایران این است که نه تنها رژیم ایران به خواسته‌های آنان لیبیک نمی‌گوید، بلکه حتی آنان را در زمره احزاب سیاسی مخالف خود نیز قرار نمی‌دهد و فعالیت‌های این دسته از احزاب در حلقه خود قربانی و سرگردانی پرسه می‌زند و اکنون نیز شاهد ضعف روز به روز آن هستیم بدون آنکه حتی به برنامه در پیش گرفته خود تجدید نظر کنند. فعالیت‌های این دسته از احزاب و جریان‌ها تنها منش و اخلاقی خودباخته، دست‌پیش‌راگرفتن، گردش در ورطه ضعف و دوری از فضای سیاسی و حمایت نکردن مردم از این طیف‌هاست. در سوی دیگر مقابل آنان، احزابی هستند که اگرچه نقاط ضعف دارند، اما با تأکید بر سیاست سرنگونی رژیم ایران و نه گفتن به ماهیت این رژیم، هنوز در بطن جامعه خود زنده بوده و مردم از آنان حمایت می‌کنند. خواسته‌های این احزاب حتی با دوری از جامعه خود و خواسته‌های والا و مشروع و منشی حق‌طلبانه است که با همه کم و کاستی‌های خود گردش انقلابی را در میان جامعه خود به وجود آورده‌اند و بخشی از سیاست و نیروی رژیم به آنها گره خورده و خود مبحثی در سیاست روز رژیم هستند. در بحبویه این جریان حق‌طلب و قربانی باز هم طرف قربانی است که با تمام وجود از کارهای خود دفاع کرده و حاضر به قبول این نیست که نمود کاری آنان تهی از محتوای انقلابی است و برای ملت خود خوراکی سیاسی با ادبیاتی سیاسی تولید نخواهند کرد. در شرایط کنونی که جامعه و فضای ایران به لحاظ

سرزمینی محسوب می‌شود. حال با بیان این نمونه‌ها به این موضوع خواهیم پرداخت که در بین سایر ملل ایران، ملت کرد برای احقاق حقوق خود از همه بیشتر قربانی داده و مبارزات این مردم بر جامعه جهانی آشکار است. در بلبشوی سیاسی و آشفته‌بازار این مرز و بوم، کردستان ایران با همه کاستی‌ها نمود و واقعی صحنه مبارزات است. طی بیست سال گذشته در کردستان ایران به لحاظ فعالیتی گهرا و چند بُعدی شاهد کار آنچنانی نبوده است جز چند اعتصاب سراسری در پاسخ به فراخوان جریان‌های سیاسی و حوادثی که خود مردم آن را رهبری کرده‌اند و در نهایت با سرکوب و کشتار ماموران رژیم به پایان انجامیده است. اما در هر زمان و حال شور و شوق انقلابی اگر چه خود را نشان نداده است، ولی در کوچکترین شرایط مهیا خود را به شیوه‌ای بزرگ پدیدار ساخته و دشمن را ناامید کرده است. بدون شک کردستان به لحاظ چنین پتانسیل قوی انقلابی همیشه مورد نگاه و توجه مسئولان رژیم بوده است و آنان نیز برنامه‌های راهبردی خود را برای منفعل کردن آن در کردستان به کار گرفته‌اند. اگرچه احزاب انقلابی کرد علیه رژیم ایران به وفور در صحنه سیاسی هستند، اما در محتوای برنامه و مانیفست‌های از این احزاب و جریانات تنها به اصلاحات و حقوق ابتدایی ملت خود مؤکد بوده و گفتن سیاسی آنها تنها حول و حوش آزادی‌های مدنی بسیار محدود می‌چرخد که این نه تنها کمکی به جامعه بحران‌زده ایران نمی‌کند، بلکه مانع و در بسیاری موارد مؤید این رژیم دیکتاتور است.

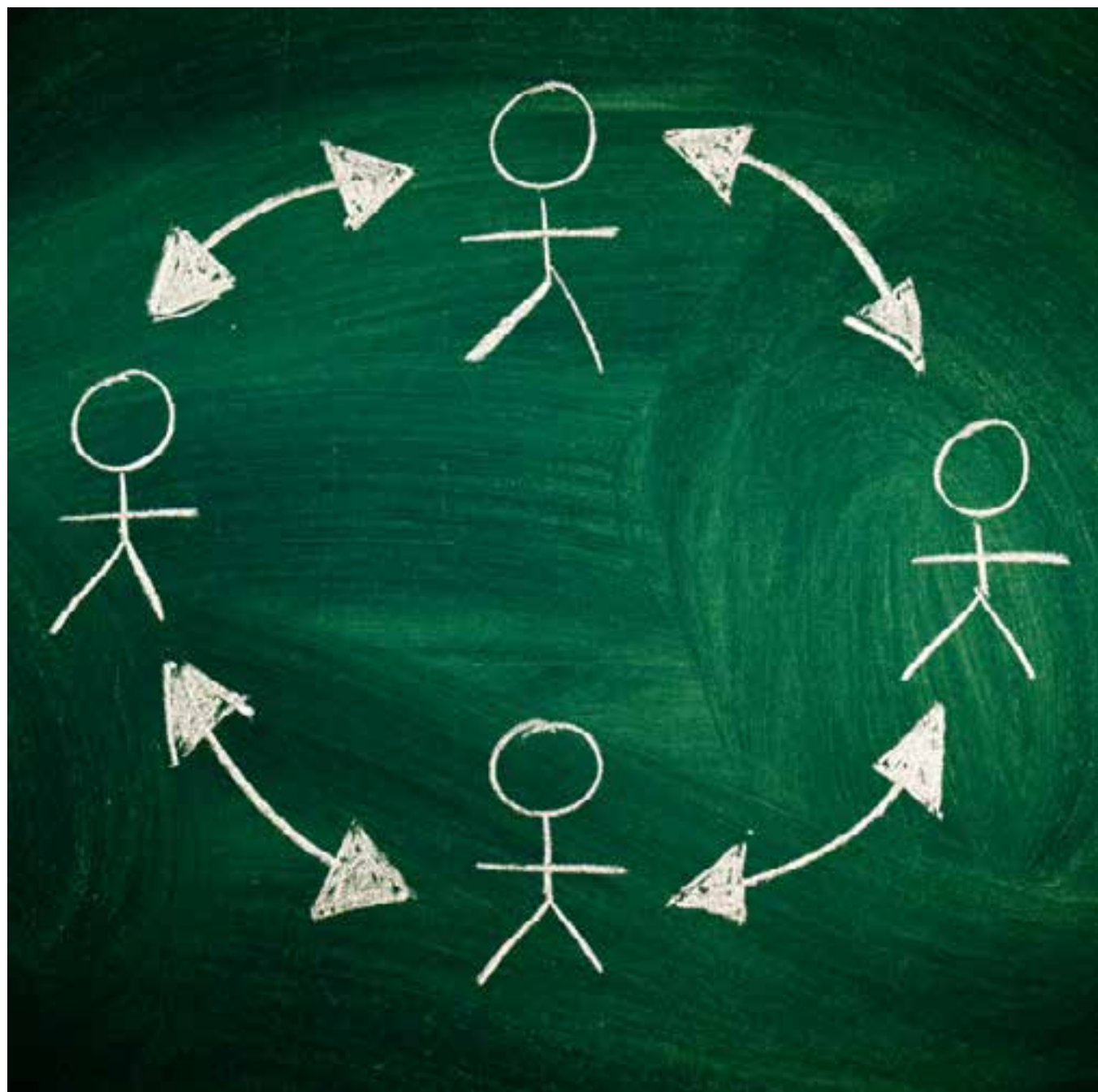
خود را اعمال پر شور انقلابی قلمداد می‌کنند و در قبال همه انتقادات و پیشنهادهای سایرین به مانند سیری دفاعی و نیرویی دافعه در مقابل هر نوع رویکرد قد علم می‌کنند. در جغرافیای ایران که جامعه آن آستن از حوادث است و هر روز اتفاقی روی می‌دهد و از سویی دیگر مسئولان ارشد سیاسی و نظامی این رژیم از سویی این اتفاقات را تجربه نبود برنامه، حوادث غیرمترقبه و جندی دیگر از کلمات مختص به خودشان برای توجیه آن بکار می‌برند. اما در همین حال همین مسئولان در گوشه و کنار سخنان خود از رخنه‌های امنیتی در نهادهای عالی خود حرف به میان می‌آورند یا گاهی، به قول خود از نابودی گروه‌های تکفیری سخن به میان می‌آورند و در پستوی آن لاف به نام وجود امنیت را دار می‌زنند. چنین سخنانی دو پهلوی آشکار دارد: اول: این ضرب‌المثل در مورد حاکمان رژیم ایران صدق می‌کند که "تا نباشد چیزی، نگویند چیزها". این نشانگر آن است که جامعه ایران از لحاظ کنترل اجتماعی و سیاسی فاقد هر گونه برنامه‌ای است و مردم این جغرافیا با همه ملت‌های آن در یک خود کنترلی هستند که زندگی خود را اداره می‌کنند. دوما: گفته‌هایی مانند وجود امنیت، آرامش، آسایش و... خود نمایانگر نبود چنین مسائلی است، چرا که از سویی رژیم ایران به گفته خود مسئولان این رژیم خطرات بزرگی مانند بیکاری، افزایش نرخ جمعیت، تغییر سبک زندگی، گذار از مرحله سنتی به صنعتی و چندین عامل دیگر مصداق‌هایی از تهدیدات امنیتی برای این جغرافیای

به جای جذب نیرو از طریق نمایش اقتدار و اعتماد به نفس، با جلب ترحم و مظلوم‌نمایی و زبانی بغض‌آلود و گله‌مند و شاکی دست استمداد به سوی جامعه دراز می‌کند و ناخواسته پیروزی خود را به دل‌رحمی و دست‌ودلبازی نیروهای سرکوبگر واگذار می‌کند. انسانی که خلق حق‌طلبی دارد، مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی را یک ارزش جهان‌شمول می‌بیند و با سایر جریان‌های حق‌طلب در سراسر جهان احساس همیاری و هم‌پیمانی می‌کند. چنین انسانی اگر چه امکان یاری سایر جریان‌های حق‌طلب جهان را نداشته باشد، اما هرگز قدمی در راه تشدید نابرابری یا ظلم در هیچ‌کجای جهان بر نمی‌دارد. اما انسانی که منش قربانی دارد، همواره ناراحت، ملتهب و شکایت‌مند است. او بیش از آن‌که در طلب رفع تبعیضات و ستم‌های عصر خود باشد، نیازمند جنجال‌آفرینی‌های روزمره برای برانگیختن خشم گروهی از مردم علیه گروهی دیگر و برچسب چسباندن و تهمت‌زدن و شعار دادن به منظور التیام بخشیدن به اضطراب‌های درونی خویش است. چنین انسانی جامعه را دچار عصبیت، تفرقه و شعارزدگی می‌کند. ذکر تفاوت این دو رفتار برای این است که با نگاهی اجمالی و سطحی به جامعه خود شاهد رفتار و کردارهایی هستیم که بیشتر آن در اخلاق قربانی نمود می‌کند، اگرچه به ظاهر دم از انقلاب و انقلابی بودن وصف می‌کنند. هم اکنون در چهارچوب تفاوت این قاعده احزاب و جریاناتی هستند که در کلاف رفتارهای سیاسی و مباحث روزمره خود فعالیت‌های

جمال رسول دنفه

بزرگ‌ترین دامی که بر سر راه هر جریان حق‌طلبانه اجتماعی و سیاسی قرار دارد و عمدتاً موجب انحراف، انحطاط و سقوط آن می‌شود، تبدیل شدن روحیه مبارزه و حق‌طلبی به روحیه قربانی و طلبکاری است. این تغییر ناگهان رخ نمی‌دهد، بلکه به تدریج در گفتار آن جریان رخنه می‌کند و رفته رفته ماهیت آن را از درون استحاله می‌کند. یک انسان حق‌طلب و یک انسان قربانی هر دو ظاهراً یک شرایط ظالمانه و ناعادلانه را تشخیص می‌دهند، هر دو به آن اعتراض دارند و هر دو برای تغییر آن تلاش می‌کنند. اما میان این دو منش تفاوت‌های بنیادینی وجود دارد که شناختن آن‌ها برای حفظ صلابت جنبش‌های اجتماعی ضروری است: انسانی که خوی حق‌طلبی دارد؛ هرچند که در تنگنای ظلم و نابرابر قرار گرفته باشد، همواره از موضع قدرت به مسائل می‌نگرد و از جایگاه یک "مصلح" و رهبر اجتماعی سخن می‌گوید. منش او جذب نیروهای اجتماعی از طریق نمایش اقتدار و ثابت‌قدمی و ترسیم تصویری از آینده‌ای روشن و پیروزمندانه است. به همین سبب نلسون ماندلا از درون سلول انفرادی آپارتاید، وعده بخشیدن زندانیان خود را می‌دهد. مارتین لوتر کینگ از دل جامعه نژادپرست و سرکوبگر آمریکا از رؤیای خود برای آینده‌ی فرزندان سفیدپوست و سیاه‌پوست این کشور می‌گوید. اما وقتی گفتار جنبش‌های طلبی از منش حق‌طلبی به منش قربانی تغییر می‌یابد؛ دیگر

سیاست اجتماعی معطوف به رفاه



غالب مبینی

در اولین نگاه، مفهوم سیاست اجتماعی (Social policy) مشتمل بر ویژگی‌های آکادمیک، اقدامات و روش است. مطالعات دانشگاهی و روش‌های بکارگرفته در زندگی روزمره در این نوشته ملاک نیستند و تنها مجموعه‌ی سیاست‌های اعمال‌شده برای یک زندگی خوب و حمایتی از سوی دولت، به عنوان سازمانی مستقل از اقشار و آحاد جامعه و نماینده‌ی خیر عمومی، مدنظر می‌باشد. چنین اقدام و کارهایی نیز معطوف به قشر کم‌درآمد و فقیر جامعه، هرچند چنین سیاست‌هایی نیز باید دربرگیرنده‌ی تمامی اقشار باشد، هستند. بهزیستی و رفاه در فردای پایان جنگ دوم جهانی به این خواست فراگیر در میان جریان‌های سیاسی و اجتماعی مبدل و از مفهومی روزانه به سیاستی رسمی و عمومی تغییر یافت، تحولی که در مفهوم دولت رفاه (Welfare state) متمرکز و تأویل می‌گردد. افزایش و تفاوت مشکلات اجتماعی عصر مدرنیته، از عوامل ظهور ایده‌ی رفاه و گسترش شاخه‌های آن به شمار می‌رود. ویژگی محیطی و اجتماعی انسان‌ها، شرایطی را تحمیل و بنا می‌نهد که فقر و نداری علاوه بر وجه اجتماعی - اقتصادی، پدیده‌ای سیاسی نیز محسوب می‌شود که در نهایت به مهیا شدن ایده رفاه و تلاش برای رفع و یا کاهش مشکلات

و موانعی که شرایط برخلاف خواست و اراده‌ی انسان‌ها آفریده، منجر می‌شود. یعنی انسانی از روی آگاهی در ایجاد تغییرات اجتماعی تلاش می‌کند و در این راه، دولت رفاه نقش اساسی بر عهده خواهد داشت و فرجام‌خواهی چنین دولتی؛ سیاست اجتماعی می‌باشد. پس سیاست اجتماعی دربرگیرنده‌ی طیفی از تصمیمات، قوانین و اصولی می‌باشد که ارزش‌های اجتماعی را تعیین و پیوسته آنها را در جامعه بازتوزیع نموده و در پایان، رشد و تعالی همان سیاست اجتماعی باشد. نظر و مفهوم سیاست اجتماعی همچون دیگر مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی با تفسیرها و تحلیل‌های مختلف طیف چپ و راست درگیر بوده که تضاد مقولات مرتبط را نیز به همراه داشته است. برابری و آزادی جزو آن دسته از مفاهیم سیاسی هستند که در تفکر دولت رفاه بار دیگر وارد مباحث نظری شده و رویکرد مختلفی برای مبانی و ارتباط آن دو در حوزه‌های زندگی انسانی پیش می‌کنند. برابری (بیش‌تر مراد برابری اجتماعی است) علی‌رغم تعاریف فلسفی، در عصر تجدد به یک مفهوم کاملاً سیاسی چرخش یافته و به عنوان یکی از ستون‌های اصلی ایجاد و تشکیل جامعه‌ی امروزی از آن یاد می‌گردد که مطلق نبوده و فقط تلاش دارد که انسان‌های درون جامعه را برابر نماید (برابری). درباره‌ی برابری اجتماعی (برابری) و دلایل چنین حمایتی، به این نکته

اشاره دارند که نیازها مبنای مشترک همه انسان‌هاست و در میان تمامی جمعیت و واحدهای انسانی مشترک می‌باشد و همچنان که این نیازها مشترکند، ابزار ارضای آنان نیز باید عمومی و فراگیر باشد. برای نمونه، بهداشت یک نیاز کلی و اساسی محسوب می‌شود و باید معالجه و مراقبت‌های پزشکی نیز عمومی باشد. اما مسئله برابری به این آسانی حل و فصل نخواهد شد و چنین رقابتی حتی در میان هواداران دولت رفاه بسی دشوار است. طیف‌های مختلف رفاه‌خواه بر سر مفهوم و استراتژی "برابری در فرصت‌ها"، "برابری در نتایج" و "برابری در منابع" دارای تضاد و چنگاکنگی هستند. بطور کلی دولت رفاه معطوف به ایجاد فرصت‌های برابر و مسئولیت اجتماعی در مقابل اقشار فقیر و تهیدست می‌باشد و چنین راهبردی با ترکیب خدمات فراگیر و گزینشی در راستای خدمات مسکن، بهداشت، تغذیه سالم، محیط زیست پاک، درآمد خانه‌نشینی، آموزش، تأمین اجتماعی و... محقق خواهد شد. آزادی هم به مثابه‌ی مفهوم و اخلاقی، همزاد برابری‌ست و در گزاره‌ی "سازش میان آزادی فرد و آزادی جمعی، چگونه خواهد بود؟" متجلی می‌گردد. آزادی هم نظیر برابری در میان برداشت چپ‌روانه و راست‌روانه در نوسان بوده، به عبارتی دیگر آزادی در عصر مدرنیته با بازار آزاد و وجود دست نامرئی در سازگاری دادن منافع افراد در

درون منافع جمعی مرتبط است. در اینجا دست راستی‌هایی نظیر رابرت نوزیک و فردریش فون هایک (متفکران آمریکایی و آلمانی در حوزه عدالت) که تمام قد از لیبرالیسم هم دفاع می‌کنند، معتقد به حفظ و صیانت از آزادی در چارچوب‌های مشخصی هستند. یعنی این متفکران هنوز هم بر سر سازش میان آزادی و برابری در دولت رفاه مصرند. طبیعی است که آزادی و برابری در فرد شهروند و تعیین حقوق و وظایف آن، ایجاد و هماهنگی میان آزادی و برابری بسی دشوار نمایان می‌گردد و حتی بدون شهروند، رفاه و اهداف دولت رفاه هم بی‌معنا خواهند بود. دولت رفاه پژوهشگران در مورد ظهور و تشکیل دولت رفاه نظریات گوناگونی مطرح کرده‌اند و منشأ آن را به اواسط قرن ۱۹ بازمی‌گردانند که در برخی کشورها نظیر بریتانیا و نیوزیلند برای خانه‌نشینی و بیکاران، مستمری تعیین می‌شد، اما در اصل دولت رفاه که تلاش دارد حداقل زندگی را برای انسان‌ها تأمین کند، متعلق به دورانی‌ست که جهان در زمینه صنعت و رشد اقتصادی به سطحی از پیشرفت نائل گردیده بود که فاصله‌ی اقشار و آحاد جامعه هر روز بیشتر نمایان می‌شد و نقطه عطف این وضعیت به بحران اقتصادی سال ۱۹۳۰ و زلزله سیستم سرمایه‌داری بازمی‌گردد. نظامی که به بازار آزاد و برساختن جامعه بر مبنای بده و بستان افراد اعتقاد راسخ

داشت. اما در آن دوره و در نتیجه‌ی همین بحران، متفکران، سیاستمداران و جامعه‌شناسان به این نکته واقف شدند که رفاه مردم (امنیت، برابری و بیمه‌ی اجتماعی) بسی با اهمیت‌تر از آن است که به مکانیسم بازار آزاد و دست نامرئی سپرده شود. اشخاصی که مروج چنین دیدگاهی بودند، اغلب در طیف مارکسیست‌ها طبقه‌بندی می‌شدند و باور داشتند که بایستی در نظریات مارکسیستی تجدید نظر به عمل آید و توجه بیشتری به مقوله‌ی آزادی فرد و مالکیت خصوصی مبدول گردد (سوسیال دموکراسی). رویکرد مخالفی هم بود که دولت رفاه را اساساً غیر مارکسیستی تلقی نموده و اظهار می‌دارند که مخالفان مارکسیسم برای روی‌گردانیدن مردم از انقلاب و تماس با جنبش‌های سوسیالیستی اقدام به تأسیس دولت رفاه کرده‌اند. پس دولت رفاه از چهار ویژگی تشکیل و شناسایی می‌شود؛ ۱) بهبود بهداشت (۲) امنیت اقتصادی (۳) توسعه آموزش و ۴) خدمات اجتماعی. بطور کلی هم افرادی بودند (و هستند) که بنیان و آرمان دولت رفاه را مورد شدیدترین انتقادهای قرار داده‌اند. کارل پوپر یکی از آنهاست که کار و فعالیت دولت را با دید شک می‌نگرد و به دستیابی دولت رفاه به اهدافش اعتقادی ندارد. این متفکر بریتانیایی اثریشی تبار در چارچوب تز علمی خود که به "ابطال‌پذیری" مشهور است، مفهوم "مهندسی اجتماعی تدریجی" را مطرح و پیشنهاد می‌کند بجای تلاش و برنامه‌ریزی در جهت استقرار رفاه، ابتدا مشکلات و موانع تعیین شوند و سپس برای کاهش و فروکاستن محنت جامعه اقدام صورت گیرد. سوسیال دموکراسی درباری رعایت سیاست اجتماعی و به نتیجه رساندن آن در چارچوب دولت، ایدئولوژی سوسیال دموکراسی را بانی اصلی دولت رفاه قلمداد می‌کنند. با وجود این، سوسیال دموکراسی کماکان خواستار ماندگاری مالکیت خصوصی در جامعه است. در دیدگاه کسانی همچون تونی فیترز یا تریک، رفاه فقط یک امر ملموس و اندازه‌گیری‌شده نمی‌باشد، بلکه درک ما از معنا و مفهوم دلایل رفاه بر فهم ما از بهزیستی تأثیرگذار خواهد بود، بهزیستی‌ای که علاوه بر نیازها بایستی علایق و خواست مردم را نیز رعایت نماید. این متفکر بریتانیایی در ادامه نظر داده که سوسیال دموکراسی مبتنی بر سیاست اجتماعی، ترکیبی از لیبرالیسم اجتماعی و سوسیالیسم دمکراتیک به دولت رفاه منتهی شده که سازگاری تدوین سیاست اقتصادی و اجتماعی را ممکن می‌کند. لیبرالیسم اجتماعی بدان معنا که در میان برابری سیاسی و برابری اقتصادی ارتباطی برقرار گردد که برابری در فرصت‌ها و نه برابری در نتایج تضمین شود و حقوق اجتماعی در محدوده‌ی اقتصاد بازار آزاد مستقر گردد. در ایدئولوژی سوسیالیسم دمکراتیک معمولاً انتقاد و اعتراض به وجود ناعدالتی در نظام سرمایه‌داری بوده و خواستار

رفع نابرابری‌های اجتماعی و نیز همکاری و نه رقابت را در درون جامعه می‌پسندد. سیاست اجتماعی در ایران سرگرم تأمین نوعی رفاه اجتماعی برای اتباع خود بوده‌اند، اما در ماهیت و چگونگی اعمال سیاست اجتماعی با یکدیگر تفاوت‌ها و مشکلاتی داشته‌اند. ایران در عصر امیرکبیر دست به اجرای برخی کارها زد که در چارچوب سیاست اجتماعی تعریف می‌گردند، اما از سال ۱۳۲۰ خورشیدی بهداشت عمومی و آموزش همگانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند. پس از انقلاب ۵۷ و تدوین قانون اساسی که در اصل ۲۹ و ۴۳ دولت را مسئول برنامه‌ریزی سیاست اجتماعی جامع کرده، ایران در زمره‌ی کشورهای که رسماً سیاست اجتماعی را اعمال می‌کند، قرار گرفت. در ایران چندین نهاد دولتی خود را متولی تدوین و مدیریت سیاست اجتماعی می‌دانند، ولی این تعدد و نابسامانی (ادغام وزارت رفاه و وزارت اقتصاد) به عدم ساختاری منظم که سیاست اجتماعی را مراعات و رعایت نماید، منجر گردیده است که بنابه گفته‌ی کارشناسان، غلبه‌ی طرح‌های عمرانی (وجه مادی) بر رویکرد اجتماعی و انسانی (وجه معنوی) را به همراه داشته است که به عنوان "رفاه سنتی" شناخته می‌شود. بعد از نزدیک به ۴ دهه، بنابه دلایل مختلف، دولت ایران هرگز در اجرای وظائف و سیاست‌هایش موفق نبوده و در حقیقت مشکلات اجتماعی دقیقاً در همان اقشار و گروه‌هایی (فروودستان جامعه) بیشتر و گسترده‌تر است که می‌بایست با سیاست‌های اجتماعی حاکمیت مورد توجه و حمایت واقع می‌شدند. از دلایل بروز چنین وضعیتی که مستقیماً بر شرایط آسیب‌شناختی کنونی تأثیرگذار بوده می‌توان به سه نکته اشاره نمود؛ نخست نظام فاسد مدیریت اقتصادی و منابع درآمدی می‌باشد که ایران را در فهرست غیر شفافترین نظام‌های جهان قرار داده، دوم وابستگی اقتصادی کشور به فروش نفت داخلی و خارجی قرار داشته که در سمت مخالف کشورهای رفاهی نظیر اسکاندیناوی قرار دارند که اقتصادی متکی بر اخذ مالیات دارند و سومین نکته می‌تواند به موضوع یارانه‌ها بازگردد که طبق پژوهش‌های صورت گرفته، قطع یارانه‌ها (نظیر سوخت و مواد اولیه) بیشتر تأثیر را بر دهک‌های پایین جامعه که کمترین سهم را در بازتوزیع سرمایه و درآمد ناخالص دارند، داشته است. در وضعیت فعلی ایران، مشکلات اقتصادی بزرگ‌ترین مانع بر سر راه رشد و توسعه‌ی جامعه برشمرده می‌شود که آسیب‌های ناشی از چنین وضعیتی در حوزه‌هایی نظیر بیکاری، گرانی، فقر و فساد مالی علناً و به وضوح نمایان گشته و این امر آینده‌ی نزدیک به ۴۰ میلیون نفر از ایرانیان را در یرتگاه فروپاشی اجتماعی و اخلاقی قرار داده است.

اهمیت هویت در جنوب کردستان و تعریف نوین ملت



سهراب کریمی

نمونه‌های از آن اشاره می‌شود. آنچه هویت ملی را با هویت‌های قدیم همچون ایل و تبار متفاوت می‌سازد، همین شناخت از خود است چرا که اساساً مدرنیته با شناخت انسان به عنوان سوژه از پدیده‌هاست و یکی از این پدیده‌ها خود است. پس هویت ملی دارای بار شناختی و معرفتی از خود است که در هویت‌های دیگر این شناخت یا وجود ندارد یا با افسونگرایی آمیخته است که قابل تعریف در چارچوبی تئوریک نیست. پس هویت ملی بر خلاف دیگر هویت‌های جمعی ماقبل مدرن است. ملت، هویتی مدرن است و این هویت شناسنامه‌ای جهانی برای فرد است و معرف فرد در سطح جهان است، چرا که در دوره مدرن، شناخت انسان تمام دنیا را درنوردیده است و در این جهان آنچه هویت‌ها را مشخص می‌کند، هویت ملی است که در سطح جهانی نیز در چهارچوب حقوقی، مشروعیت دارد. لذا

می‌توان دریافت که نگاه امروز یک آلمانی از خود، بسیار متفاوت‌تر از آلمان دو قرن پیش است و یا نگاه یک ایرانی به خود، قدمتی به اندازه‌ی یک قرن یعنی از مشروطه به بعد را دارد، چرا که این نگاهی که یک فرد در اصفهان از ایرانی دارد، در دوره قبل از مشروطه وجود نداشته است. همچنین این نگاهی که یک فعال کورد در شاه‌آباد کرمانشاه از خود دارد، متفاوت از نسل‌های قبل است. علاوه بر این، هویت ملی که بار سیاسی و تمایل به تأسیس نهادی فراگیر به عنوان دولت و واحد سیاسی دارد، از منافع افراد خود تأمین می‌کند، منفامی همچون امنیت، اقتصاد و آزادی. چنانچه کردها بر این امر واقف هستند که دولت‌های فرادست، خود عامل سرکوب و هستند و کردها در این کشورها نه تنها امنیت ندارند بلکه سیستم دولت‌ها بزرگترین عنصر ناامنی برای آنها هستند و در زمینه اقتصادی هم کردستان از محرومترین و فقیرترین مناطق کشور هستند. کردها از اساسی‌ترین آزادی‌های فردی و اجتماعی و سیاسی محروم هستند. بنابراین بُعد فایده‌گرای کوردایتی در نهایت تأمین زندگی مادی بهتر برای جامعه کردستان است. با توجه به رویکردی که گفتمان مرکزگرا به کرد و کردستان دارد، نشان می‌دهد که کردها در چارچوب موجود هیچ‌گاه یک زندگی خوب و آرام نخواهند داشت. دیدگاه حاکمیت و حتی اپوزیسیون مرکزگرا به کردها، رویکردی امنیتی است. در این رویکرد کورد و کردستان "ضد امنیتی" تعریف شده است. این رویکرد حتی فارغ از مبارزات مسلحانه‌ی کردها همچون مبارزات پیشمرگه نیز وجود داشته است.

و نمی‌تواند سرنوشت خود را تعیین کند، ملت‌ها با شناخت و تعریف خود در واقع منافع خود را تشخیص می‌دهند و شناخت از منافع، مستلزم شناخت از نیازها و اهداف خود است. عدم شناخت از خود و منافع خود، سرگردانی و پریشانی را به وجود می‌آورد، اما چنانچه جامعه‌ای منافع خود را تشخیص دهد می‌تواند برای آینده خود و زیرساخت‌های محکمی را بسازد، از لحاظ سیاسی هر شناختی هم مردمی که شناخت درستی از خود داشته باشند خود با مفاهیمی ارائه می‌دهند که باعث شکوفایی اعتماد به نفس آنها می‌شود. آنها خود را ملت می‌دانند و می‌دانند که ملت یعنی اجتماعی که شناخت واحدی از خود دارند و منافع مشترک دارند و قرار سیاسی مشترکی هم خواهند داشت. قرار ملی مشترک، همان شناخت واحد از منافع جمعی و قرار سیاسی است که بر آن منافع بنا نهاده می‌شود. مردمی که منافع جمعی خود را تشخیص دهند و قرار سیاسی خود را تعیین کنند، خود را ملت تعریف می‌کنند و بر این اساس را تشکیل دهند که منافع آحاد مردم را در برگیرد و به شیوه‌ای دمکراتیک توسط خود آنها انتخاب شود. برای بیان بهتر این امر لازم است که دیدگاه و شناخت فارس‌ها نسبت به کردها بیان شود. بدون شک هر شناختی از جانب دیگران در راستای منافع شناسا است و هر تعریفی از جانب دیگران مستقیماً فرد یا جامعه را به خدمت شناسا می‌گیرد. کردها این را تشخیص داده‌اند که تعاریفی که ملت‌های مسلط از کردها دارند، به شیوه‌ای مفهوم‌بندی شده است که ناخودآگاه کردها در خدمت آنها هستند که در مبحث بعدی

به آثار نویسندگان کورد در اواسط هزاره دوم میلادی دقت کنیم، در می‌بایم که کردها در کشمکش مذهبی شیعه صفوی و سنی عثمانی در این اندیشه بودند. آنها مشاهده می‌کردند که چگونه ماجراجویی‌های سلاطین صفوی و عثمانی به ویرانی میهن و کشتار کردها می‌انجامید. اگر در شمال کردستان شرف خان بتلیسی تاریخ و جغرافیای کردستان را ثبت می‌کرد، اگر احمد خانی منظومه عشاق خود را به کوردی نوشت و اگر هلوخان و خان احمد خان اردلان اراده خود را برای تشکیل کوردستان به کار گرفتند، اما نکته مهم این است هم شرف خان و هم احمد خانی و هم اردلانها به نکات ذکر شده اشاره می‌کنند. در کرمانشاه و ایلام خیلی قبل‌ها آیین یارسان پایه‌گذاری کردند تا خط خود را از سنی عثمانی و شیعه صفوی جدا کنند. زیر ساخت فرهنگی و آیینی مختص به خود را پایه‌گذاری کردند، دفترهای شاخوشین و سلطان سحاک در ترویج دین کوردی با زبان کوردی و ویژه فرهنگ کوردی را به رشته تحریر درآوردند. حتی مقاومت قلعه "دم دم" تحرک سیاسی کوردهاست که در ادبیات تبلور پیدا می‌کند تا بتوانند خاطره‌ی تلاش برای تأسیس کوردستان را در قالب ادبیات به نسل‌های آینده منتقل کنند. در این میان ناسیونالیسم کنتشی جمعی در جهت حفظ هویت و تأسیس کوردستان است و چون در ماهیت خود در راستای جاودانگی آحاد مردم می‌باشد، کنتشی دمکراتیک است. سرانجام دومین هدف از پایبندی به هویت کسب شناخت از خود است و بدون این شناخت، فرد و جامعه نمی‌تواند منافع خود را تشخیص دهد، برای تحقق منافع خود توان تصمیم‌گیری را ندارد

است. در شهرهای استان‌های کرمانشاه و ایلام، مناسبات سیاسی و فرهنگی و گفتمان‌ها چنان پیچیده است که سوژه‌ی کورد را وادار می‌کند که خود را تعریف کند و کورد را تعریفی نوین کند. تعاریف دیگر از ملت شاید در کردستان کاملاً مصداق نداشته باشد، اما این تعریف نوین از ملت همان تلاش جمعی اجتماع است که برای جلوگیری از اضمحلال فرهنگی و اجتماعی، چشم‌انداز تأسیس واحد سیاسی را برای خود دارد. این واحد سیاسی همان مؤسساتی است که هویت اجتماعی آنها را حفظ می‌کند که با پیوند هویت جمعی و نهاد سیاسی، هویت مدرن ملی پدید می‌آید. تلاش برای جاودانگی هویت جمعی در دوره مدرن، ملت‌ها را خلق می‌کند و برای کوردستان تبیین این هویت بدون مشارکت سوژه‌ی کورد در کرمانشاه و ایلام به فرجام نخواهد رسید. ملت همان بیداری شعور جمعی در جهت اداره کردن مدیریت سیاسی خود است و اولین قرار جمعی در جهت امر سیاسی است. در این میان باید گفت که پیشینه ملت‌ها می‌تواند متفاوت باشد زندگی در یک جزیره و ... و یا شاید توافق چند اتنیک در یک جغرافیا باشد، اما آنچه تعریف از ملت را بغرنج‌تر می‌کند، تفاوت دغدغه‌های جمعی برای به دست گرفتن حق تعیین سرنوشت است. در سرزمین‌های کهن همچون خاورمیانه و اروپا که زیرساخت‌های اجتماعی ریشه در اعماق تاریخ دارد، پیوند ملت‌ها به عنوان پدیده مدرن با زیر ساخت اتنیک، به مثابه پدیده‌ای تاریخی است. کردها هم از اولین تکانه‌های مدرنیته حرکت ملی خود را شروع کردند. شاید حتی قبل از ملت‌های همسایه همچون عرب و فارس و ترک، اگر

اهمیت بیشتری دارد، چرا که مسأله شناخت از خود است و به دلیل اهمیت اول مسأله حیثیت هویت جمعی و یا همان ساختار اجتماعی است که کردها بر این امر تأکید می‌کنند که شناخت زیرساخت فرهنگی و زبانی است که معانی انسان بودگی را از والدین و خانواده و محیط اطراف و گذشتگان به او انتقال می‌دهد. هر واژه و هر جمله حاوی اطلاعاتی است که او را به تاریخ خود متصل می‌کند و خاطرات نسل‌های پیشین را به او می‌رساند. ارزش‌ها، ضد ارزش‌ها، محبت کردن‌ها، قهر کردن‌ها، آداب معاشرت و حرکات و زبان بدن ... از جزئی‌ترین معانی تا باورها و عقاید را در بر می‌گیرد و این ساختار به جامعه "انسان بودگی" را می‌آموزد. این فرهنگ در اعماق ذهن افراد جای می‌گیرد و هویت اجتماعی مجموعه شباهت‌ها و معانی است که اجتماع را درست می‌کند و فرهنگ برای افراد تبیین می‌کنند که تمایلات خود را چگونه در جامعه اجرا کند. هویت جمعی به افراد نشان می‌دهد که فرهنگ و زبان آنها زنده و دارای گذشته است، پس آینده‌ای در پیش دارد و برای بقا احتیاج به کنش‌های جمعی و فردی دارد. در نتیجه، هویت جمعی نیز همچون هویت فردی تمایل به ماندگاری دارد و نمی‌خواهد نابود شود و که این خود کنشی برای مشارکت است و بدون حفظ هویت خود نمی‌تواند در جامعه مشارکت کند، لذا ابتدا سوژه‌ی کورد هر فعلی را که جاودانگی او را به خطر بیندازد، بر نمی‌تابد. این هویت جمعی زمانی بیشتر معنی پیدا می‌کند که در برابر دیگر هویت‌ها با خطر نابودی روبرو شود و آن زمان تصمیم نهایی قرار اجتماعی را در پیش روی خود دارد. این قرار اجتماعی همان تولد ملت و تعریف ملت

*مطلب زیر ادامه مقاله‌ایست به نام تکوین و تکامل کوردایه‌تی در کرمانشاه و ایلام در جاهایی همچون کرمانشاه و ایلام سوژه‌ی کورد به انتخاب‌های خود می‌اندیشد، راهی که خاستگاه و بستر فرهنگی‌اش را به سوی جاودانگی می‌برد و راهی که کورد بودنش را نیست و نابود می‌کند. اولی جذاب است و به او ارزش واقعی "انسان بودن" را می‌دهد، اما دومی تحقیر و نابودی هویت او را به همراه دارد و هر کدام از اینها مسیر زندگی اجتماعی را تعیین می‌کند. حال باید پرسید اهمیت هویت در چیست؟ در این میان برای تئوریزه کردن هویت کورد باید تعریفی معقول وجود داشته باشد. لایه‌های هویت چگونه باید تعریف شود و هویت ملی چه ارزشی دارد؟ اینها سؤالات اساسی است که سوژه کرد در تعامل با جامعه خود و نیز گفتمان هم‌زمن باید بتوان تشریح آن را داشته باشد تا بتوان بنیاد معرفتی برای گفتمان کردی صورت‌بندی کرد. هویت انسان‌ها داری لایه‌های مختلفی است. از هویت جنسیتی و شهری گرفته تا هویت نسلی و هویت‌های جمعی خانوادگی اما از نظر جامعه شناسی سیاسی و بار اجتماع و سیاسی که در امر قدرت دخیل هستند می‌توان گفت که انسان‌ها دارای دو بُعد هویتی هستند، یکی هویت فردی با لایه‌های مختص به خود و دومی هویت جمعی آن هم با لایه‌های مختلف. در هویت فردی، فرد چیزی را دنبال می‌کند و آن ماندگاری زیستی است. فرد غذا می‌خورد، بهداشت را با اهمیت می‌داند، درس می‌خواند، کار می‌کند تا زنده بماند یا در نهایت ازدواج می‌کند تا بچه به دنیا بیاورد و کپی ژنتیک خود را به نسل‌های آینده تقدیم کند و عشق به جنس مخالف را هم در این راستا می‌توان معنی کرد، چون به تنهایی قادر به ادامه‌ی نسل نیست. در این جا به نظر می‌رسد که هدف نهایی همان حفظ بقا و جاودانگی است. حتی هویت فردی بار جاودانگی را از راه‌های دیگر هم دنبال می‌کند به اینها بسنده نمی‌کنند و آثار ماندگار خلق می‌کنند، چرا که می‌خواهد به آیندگان بفهماند که چنین فردی زیسته است و می‌خواهد هویت خود را در آثار هنری علمی و ادبی به یادگار بگذارد تا با آیندگان هم زندگی کند. مسأله‌ی حائز اهمیت این است که در نهایت، جاودانگی فرد در بستر اجتماع و ادامه زندگی اجتماعی ادامه پیدا می‌کند، لذا بُعد اجتماعی هویت هم برای افراد مهم و ضروری است. بُعد اجتماعی هویت که برای یک کورد در کرمانشاه و ایلام

KURDISTAN

روزنامه ی «کردستان» و وب سایت های حزب دمکرات کردستان ایران
در شبکه جهانی اینترنت

www.kurdistanmedia.com
info@kurdistanmedia.com

<http://www.pdkl.org>
pdkliran@club-internet.fr
[telegram.me/PDKImedia](https://t.me/PDKImedia)

Organ of the Central Committee of Democratic Party of Iranian Kurdistan - No 698 - 4 apr 2017

